

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صل الله على محمد و آله الطاهرين

استاد علی دوست

فقه العروة الوثقی

جلسه سوم؛ ۱۴۰۲/۰۷/۰۸

مسأله ۱

«يجب على كل مكلف في عباداته و معاملاتہ أن يكون مجتهداً، أو مقلداً، أو محتاطاً.»^۱

همانطور که در جلسه قبل بیان شد در مسأله مذکور برخی از واژگان و عبارات (يجب، في عباداته و معاملاتہ، ان يكون مجتهداً، أو مقلداً، أو محتاطاً) مورد توجه است. در رابطه با «يجب» توضیحات داده شد و شایسته است به جای «يجب» از عبارت «يلزم عقلاً» استفاده شود. از جمله عبارات و واژگان، عبارت «في عباداته و معاملاتہ» می باشد که دو واژه «عبادات» و «معاملات» در آن محل بحث است. بیان شد که این دو واژه از جامعیت و مانعیت برخوردار نیست. جامع زیرا ایشان در مسأله ۲۹ عادیات را نیز آورده اند و مانع نیست، زیرا واجب نیست در امور مستحب و مکروه تقلید شود. بنابراین شایسته است به جای عبارت مذکور از عبارت مناسب استفاده شود که جامع و مانع باشد و اقوال مختلف را در برگیرد. با توجه به اختلافی که در حیطة و میزان دخالت و نفوذ شارع وجود دارد که برخی آن را حداقلی دانسته و نافی دخالت شارع در امور معاملی شده اند و در برابر، برخی دخالت شارع را حداکثری دانسته و در همه امور جاری می دانند، صحیح آن است که به جای عبارت مذکور از عبارت «فيما تدخل الشرع فيه» استفاده شود. این عبارت اگرچه گنگ است ولی اشکال عدم جامعیت و عدم مانعیت را ندارد، اگرچه عبارت محقق طباطبایی در عروه گویا بوده ولی جامع و مانع نیست. در رابطه با عبارت «ان يكون مجتهداً، أو مقلداً، أو محتاطاً» گفته می شود که این عبارت قابل دفاع نیست و باید حمل بر مثال شود و به جای آن عبارت «ككونه مجتهداً أو مقلداً أو محتاطاً أو قاطعاً» جایگزین شود.^۲

پس از بررسی عبارات و واژگان مسأله مذکور و دلیل وجوب و نوع وجوب در آن گفته می شود؛ آنچه بر مکلف لازم است، تحصیل امن از عقاب در اموری می باشد که شارع در آنها دخالت کرده است، از

۱. العروة الوثقی (المحشی)، ج ۱، ص ۱۳.

۲. برخی از اقوال و عبارات آورده نمی شود تا شما به دنبال بحث بروید مثل نظر مرحوم فیروز آبادی که قید فرموده «علی کل مکلف ملتفت» که عدم التفات یا رافع تکلیف است یا خیر و در اینجا بحث نمی کنیم.

این رو سه راه «اجتهاد»، «تقلید» و «احتیاط» از جمله راه‌های تحصیل این ایمنی از عقاب هستند نه آنکه تحصیل امن از عقاب، منحصر در این سه راه باشد. با توجه به این بیان کسی که اطمینان (علم عرفی مبتنی بر اساس اصول و قواعد) دارد یا آنکه قاطع است،^۳ در زمره هیچ‌یک از سه دسته مذکور قرار نمی‌گیرد، از این رو اگر عمل وی مطابق با حجت باشد، تکلیفی نداشته و معذور است.

بنابر توضیح مذکور، شایسته است به جای عبارت مذکور در مسأله ۱، از عبارت ذیل استفاده شود:

«يلزم عقلاً على كل مكلف تحصيل الأمن من العقاب فيما تدخل الشرع فيه و ذلك ككونه مجتهداً أو مقلداً أو محتاطاً أو قاطعاً». نکته حائز اهمیت در این عبارت آن است که اگر کسی مانند مرحوم آیت‌الله تبریزی اطمینان عرفی را به طور مطلق مانند یقین حجت بداند می‌تواند اطمینان را نیز از جمله راه‌ها قرار دهد، چرا که برای تحصیل امن از عقاب، راه یا راه‌های منحصری وجود ندارد و بسته به نوع مبنا قابل توسعه و تضییق است.

مسأله ۲

«الأقوى جواز العمل بالاحتياط مجتهداً كان أو لا، لكن يجب أن يكون عارفاً بكيفية الاحتياط بالاجتهاد أو بالتقليد».

در این مسأله به موضوع جواز عمل به احتیاط پرداخته شده اگرچه شخص مکلف مجتهد باشد. لازم است این مسأله با دو مسأله چهارم^۴ و شصت و ششم^۵ نگریسته شود.

۳. ممکن است به ذهن آید که فرد مطمئن و قاطع لزوماً یا مجتهد است یا مقلد که به اطمینان و قطع رسیده‌اند، در حالی که چنین نیست و می‌توان تصور کرد کسی به قطع برسد در حالی که مجتهد است و نه مقلد به خصوص در اعصار گذشته که تقلید به این صورت نبوده و بسیاری از افراد که از روی قطع، اعمال را انجام می‌دادند مجتهد هم نبودند.

۴. «الأقوى جواز الاحتياط ولو كان مستلزماً للتكرار و أمكن الاجتهاد أو التقليد».

۵. «لا يخفى أنّ تشخيص موارد الاحتياط عسر على العاصي إذ لا بدّ فيه من الاطلاع التام، و مع ذلك قد يتعارض الاحتيطان فلا بدّ من الترجيح، و قد لا يلتفت إلى إشكال المسألة حتّى يحتاط، و قد يكون الاحتياط في ترك الاحتياط، مثلاً: الأحوط ترك الوضوء بالماء المستعمل في رفع الحدث الأكبر لكن إذا فرض انحصار الماء فيه الأحوط التوضؤ به، بل يجب ذلك، بناءً على كون احتياط الترك استحبابياً، و الأحوط الجمع بين التوضؤ به و التيمم، و أيضاً الأحوط التثليث في التسبيحات الأربع، لكن إذا كان في ضيق الوقت، و يلزم من التثليث وقوع بعض الصلاة خارج الوقت فالأحوط ترك هذا الاحتياط أو يلزم تركه، و كذا التيمم بالجصّ خلاف الاحتياط، لكن إذا لم يكن معه إلا هذا فالأحوط التيمم به، و إن كان عنده الطين مثلاً فالأحوط الجمع، و هكذا.»

اکنون این سؤال اصلی مطرح است؛ آیا کسی که مجتهد یا مقلد است می‌تواند به احتیاط عمل کند و اجتهاد یا تقلید ننماید؟

قبل از پرداختن به پاسخ سؤال لازم است به نکات ذیل متذکر شد:

۱- پیشینه این مسأله برای عصر حاضر نیست بلکه به اعصار دور مانند عصر سید مرتضی بازگشت دارد. بنابراین باید بررسی شود کسی که می‌تواند اجتهاد یا تقلید نماید آیا جایز است به احتیاط عمل کند یا خیر؟

۲- ممکن است تصور شود مقصود از مجتهدی که جایز است به احتیاط عمل نماید، مجتهدی است که به جهت شرایطی نتوانسته مسأله مورد نیاز خود را اجتهاد نماید و چون نمی‌تواند تقلید کند بنابر این جایز است به احتیاط عمل کند؟! لکن مقصود از جواز عمل به احتیاط در این مسأله فرض امکان اجتهاد یا تقلید است.

۳- در مسأله ۲ عنوان شده است که شرط عمل به احتیاط، علم و عرفان به کیفیت احتیاط است؛ برای روشن شدن مطلب به مثال زیر توجه شود:

الف) کسی که به سفر رفته و می‌داند چه مقدار مسافت را پیموده است ولی نمی‌داند این مقدار از طی مسافت سبب تحقق سفر شرعی می‌شود یا خیر؟ در این صورت باید احتیاط نماید. حال در اینجا باید به کیفیت احتیاط علم داشته باشد که آیا مجاز است نماز را جمع (قصر و تمام) بخواند یا اینکه فقط نماز تمام را ادا نماید؟

ب) فردی به هنگام نماز نمی‌داند تسبیحات اربعه یک بار واجب است یا سه بار و اگر بخواهد سه مرتبه بگوید بخشی از نماز در خارج از وقت قرار می‌گیرد و اگر بخواهد یک بار بگوید ممکن است واجب نماز را عمداً ترک کرده باشد و نماز باطل گردد؟!

با توجه به مثال‌های مذکور که از مراجعه به دو مسأله ۴ و ۶۶ بر آمده روشن شد که مقصود از علم و عرفان به احتیاط چیست؟ زیرا اگر علم به کیفیت احتیاط نباشد گاهی رعایت احتیاط، مخالف با احتیاط می‌شود.

محورهای بحث در مسأله ۲

۱- «الاقوی جواز العمل بالاحتیاط»؛ در این محور از اقوال و ادله جواز و عدم جواز به احتیاط سخن می‌رود.

۲- «يجب أن يكون عارفاً بكيفية الاحتياط»؛ این محور تا حدودی ذیل نکته ۳ بحث میشود و در ضمن محور اول نیز نکاتی پیرامون آن ذیل بیان قول سوم خواهد آمد.

۳- «بالاجتهاد أو بالتقليد»؛ در این محور بحث می‌شود که آیا راه علم و عرفان به کیفیت احتیاط، منحصر در تقلید یا اجتهاد است؟! به طور مختصر گفته می‌شود، همانطور که گذشت اساس شناخت حکام و عمل به امور دین منحصر در تقلید و اجتهاد نیست.

محور اول

نسبت به محور اول سه قول ذیل بیان می‌شود:

الف) جواز مطلق؛ بسیاری از فقها قائل به جواز مطلق عمل به احتیاط شده‌اند، از این رو برخی از ایشان به محقق طباطبایی اشکال کرده که چرا از واژه «الاقوی» استفاده کرده‌اید زیرا در این واژه نوعی تردید وجود دارد اگر بیانگر فتوای مفتی می‌باشد، بنابراین نظرشان این بود که به جای این واژه از واژگانی چون «الصحيح»، «المتعين» و... استفاده می‌شد.

ب) عدم جواز مطلق؛ با توجه به اطلاقات برخی از عبارات فقها ممکن است اینگونه استظهار شود که ایشان به طور مطلق با عمل به احتیاط مخالف‌اند و آن را جایز نمی‌دانند درحالی که در جایی مانند معامله که اگر کسی نداند صیغه عربی باید بخواند یا آنکه صیغه فارسی هم کفایت می‌کند و شخص صیغه عربی را جاری سازد می‌گویند عمل او صحیح است. بنابراین بسیار بعید و دور از ذهن است که فقیهی با اصل جواز عمل به احتیاط مخالف باشد.

ت) عدم جواز فی الجملة؛ برخی با تفصیل بین معاملات و عبادات و همچنین تفصیل بین عبادات در جایی که مستلزم تکرار و عدم تکرار است بیان داشته؛ عمل به احتیاط در معاملات جایز است مانند خواندن صیغه به عربی و عمل به عبادیات که مستلزم تکرار نمی‌باشد نیز جایز است مانند گفتن سه باره تسبیحات اربعه یا مسح کل پشت پا به هنگام وضو. اما در مورد امور عبادی که در بردارنده تکرار است مانند نماز جمع در سفر و... عمل به احتیاط را جایز نمی‌دانند.

ادله جواز عمل به احتیاط

تفصیل بحث از ادله خواهد آمد لکن فی الجمله گفته می‌شود؛ عقل حکم می‌کند^۶ که مکلف علم به حجت پیدا کرده و بر اساس آن عمل نماید که یکی از حجج علم به واقع و اصابه عمل با واقع است.^۷

در پایان لازم است این سؤال مطرح شود که اگر به هر دلیلی شک کنیم که آیا عمل به احتیاط جایز است یا خیر، اصل عملی که در اینجا جریان دارد چیست؟ احتیاط است یا براءت؟ و تأسیس اصل در این مسأله بسیار مهم است همانطور قائلین به جواز گفته‌اند در صورت شک اصل جواز جاری است که باید بررسی شود منشأ این اصل جواز چیست؟

آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

۶. از این عقل به عقل ابزرای تعبیر می‌شود.

۷. آیت‌الله حکیم، دلیل جواز عمل بر احتیاط را اصابه به واقع بیان کرده‌اند.